

پایه :	۶	موضوع :	اصول ۳
تاریخ :	۹۳/۰۳/۱۸	ساعت :	۸

## پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: اصول الفقه (از اول الشهرة تا پایان کتاب)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. کدام گزینه از ارکان استصحاب نیست؟ د ۲/۲۷۸
- ا. وحدت متعلق یقین و شک
- ب. یقین سابق
- ج. شک در بقاء متیقن
- د. وحدت زمان متیقن و مشکوک
۲. التعارض الإصطلاحی بین الأخبار هو ..... ج ۲۱۱
- ا. تنافی المدلولین
- ب. تکاذب الأدلّة فی مقام الامتثال
- ج. تکاذب الأدلّة فی مقام الجعل
- د. امتناع اجتماع المدلولین فی الوعاء المناسب له
۳. إذا تعادل المتزاحمان فی جميع جهات الترجیح فالحکم فیهما هو ..... ب ۲۱۴
- ا. تساقط الدلیلین
- ب. التخییر
- ج. تخصیص احدهما بالآخر
- د. الرجوع إلى الاصول العملیة
۴. بعد ملاحظه المرجحات بین المتعارضین و عدم توفر المرجحات فالقاعدة الاولیة هی ..... ج ۲۴۴
- ا. التخییر
- ب. التساقط
- ج. التوقف
- د. الاحتیاط

## تشریحی

- \* القیاس عملیة من المستدلّ لإستنتاج حکم شرعی لمحلّ لم یرد فیہ نص بحکمہ الشرعی إذ توجب هذه العملية عنده الاعتقاد یقیناً أو ظناً بحکم الشارع.
۱. أ. شخص با چه هدفی و در چه جانی دست به قیاس می‌زند؟ ب. نتیجه این قیاس چیست؟
- أ. در جایی که نص شرعی برای اثبات حکم شرعی مسئله‌ای وارد نشده باشد شخص قیاس می‌کند تا بتواند به حکم شرعی دست پیدا کند.
- ب. نتیجه قیاس بدست آوردن اعتقاد یقینی یا ظنی به حکم شرعی است.
- \* بظهور النص فی کون العلة عامة ینقلب موضوع الحکم من کونه خاصاً بالمعلّل إلى کلّ ما فیہ العلة فیکون الموضوع عامّاً یشمل المعلّل و غیره.
۲. دلیل تعدی حکم از معلّل به غیر خودش را در «منصوص العلة» بیان کنید.
- وقتی نصی علت را بیان نماید بطوری که علت عمومی باشد نسبت به هر موضوعی که دارای آن علت باشد حکم را می‌توان تعدی داد.
- بنابر این وقتی علت، عمومی بود دیگر مختص به خصوص آن موضوع نخواهد بود.
- \* من الجهات المرجحة بین المتزاحمین أن یکون أحد الواجبین لا بدل له مع کون الواجب الآخر المزاحم له ذا بدل سواء کان البديل اختیاریاً أو اضطراریاً و لا شک فی أن ما لا بدل له أهمّ ممّا له البديل لأنّ الشارع قد رخص فی ترک ذی البديل إلى بدله الاضطراری و لم یرخص فی ترک ما لا بديل له فان قدّم ذو البديل ففیہ تفویت للأول بلا تدارک.
۳. أ. مرجح فوق را توضیح داده و علت این نوع تقدیم را بیان کنید. ب. برای بدل اختیاری و اضطراری مثال بزنید.
- أ. اگر یکی از دو واجب دارای بدل باشد در این صورت واجبی را که بدل ندارد مقدم می‌کنیم و علتش در این است که تقدیم واجب دارای بدل باعث از دست دادن واجب بدون بدل خواهد شد در حالی که راهی برای تدارک آن وجود ندارد.
- ب. بدل اختیاری مثل: خصال کفاره و بدل اضطراری مثل: تیمم نسبت به وضو.

۴. چهار شرط از شرایط تعارض دلیلی را بنویسید.

۱. ألا يكون أحد الدليلين قطعياً. ۲. ألا يكون الظنّ الفعلي معتبراً في حجّيتهما معاً. ۳. أن يتنافى مدلولاهما. ۴. أن يكون كلّ من الدليلين واجداً لشرائط الحجّية. ۵. ألا يكون الدليلان متزاحمين. ۶. ألا يكون أحد الدليلين حاكماً على الآخر. ۷. ألا يكون أحد الدليلين وارداً على الآخر.

\* يشترط في تقوية الرواية بالعمل أمران: أولاً أن يعرف استناد الفتوى عليها إذ لا يكفي مجرد مطابقتها فتوى المشهور للرواية في الوثوق باقربيتها إلى الواقع و ثانياً أن تكون الشهرة العملية قديمة.

۵. شروط تقويت روایت با عمل را توضیح دهید.

أ. بدانیم فتوای مشهور مستند به آن روایت است چرا که مجرد مطابقت کافی نیست. ب. شهرت عمل بدان روایت قدیمی و واقع در عصر ائمه **مهم** یا نزدیک به آن باشد.

۶. کیفیت حصر مجاری اصول عملیه در چهار مورد را بیان کنید.

مشکوک یا دارای حالت سابق است یا نه، که اولی استصحاب است. در حالت دوم تکلیف یا مجهول است یا معلوم، که اولی براءت است. در دومی یا امکان عمل به هر دو و احتیاط وجود دارد یا نه، که اولی احتیاط است و دومی مورد تخییر.

\* فرّق الشيخ الأنصاري في الإستصحاب بين أن يكون مبناه الأخبار فيكون أصلاً و بين أن يكون مبناه حكم العقل فيكون أماره ... غير أن الذي يبدو لي أن الاستصحاب حتى على القول بأنّ مستنده حكم العقل لا يخرج عن كونه قاعدة عملية ليس مضمونها إلّا حكماً ظاهرياً مجعولاً لشاك و أما الظن ببقاء المتيقن لا يكون إلّا مستنداً للقاعدة لا أن الظن هو نفس القاعدة.

۷. أ. مدعای شیخ انصاری چیست؟ ب. اشکال مصنف بر ادعای شیخ را تبیین نمایید.

أ. مدعا: استصحاب اگر بر مبنای اخبار باشد اصل عملی است اما اگر بر مبنای احکام عقلی باشد اماره خواهد بود. ب. اشکال: همانطور که وقتی مبنا اخبار باشد خود اخبار اماره اند نه قاعده استصحاب، همینطور اگر دلیل عقلی مبنای استصحاب باشد خود دلیل موصوف به اماره بودن است نه قاعده استصحاب، فلذا استصحاب به هر دو مبنا، اصل است نه اماره.

\* قوله **مهم**: «و إلّا فانه على يقين من وضوءه» بمنزله الصغرى و قوله **مهم**: «لا ينقض اليقين بالشك أبداً» بمنزله الكبرى و هذه الكبرى مفادها قاعدة الاستصحاب و هي البناء على اليقين السابق فيفهم منها أن كلّ يقين سابق لا ينقضه الشك اللاحق.

۸. نحوه استفاده قاعده استصحاب از حدیث را با توجه به عبارت، بیان کنید.

جمله اول امام **مهم** بعنوان صغری است و جمله بعدی به عنوان کبری است که مفادش همان قاعده استصحاب است؛ یعنی همان بناء بر یقین سابق و این دو قیاسی را تشکیل می دهند که از آن فهمیده می شود هیچ شک لاحق یقین سابق را از بین نمی برد.

\* المراد من الشك في المقتضى هو الشك في نفس استعداد المستصحب في ذاته للبقاء و قابليته له من آية جهة كانت تلك القابلية و سواء فهمت هذه القابلية من الدليل أو من الخارج؛ و المراد من الشك في الرفع الشك في طرو ما يرفع المستصحب مع القطع باستعداده و قابليته للبقاء لولا طرو الرفع.

۹. شك در مقتضى و شك در رافع را توضیح دهید.

مراد از شك در مقتضى شك در استعداد مستصحب است که آیا در ذات خود استعداد و قابلیت بقاء از هر جهت را دارد یا نه، خواه این قابلیت از خود همان دلیل فهمیده شود یا از خارج و مراد از شك در رافع نیز به معنای شك در حدوث چیزی است - بعد از قطع به استعداد و قابلیت بقاء - به این معنا که آیا چیزی آمده که بتواند مستصحب را بردارد یا نه.